

# مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی اصفهان و جابجایی مرکز قدرت تا برآمدن سلجوقیان<sup>۱</sup>

علی شجاعی اصفهانی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۵۷ تا ص ۷۶)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۲۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۸

## چکیده

شهر جی از دوران قبل از اسلام و شهر یهودیه در دوران اسلامی در دشتی قرار گرفته‌اند که از سه طرف به ارتفاعات، محصور شده‌اند. عمده این محدوده در متون جغرافیایی دوران اسلامی به نام رستاق جی، مهم‌ترین رستاق خوره اصفهان، معروف بوده است. وجود رودخانه زاینده‌رود، که از میان رستاق عبور می‌کند، و موقعیت کوه‌ها، که روی تمامی آن‌ها و برخی کوه‌های مجاورشان شواهدی از قلاع و استحکامات دیده می‌شود، در کنار قرار گرفتن رستاق جی در مرکز ایران، باعث شده تا شهر جی از قبل از اسلام تا قرن چهارم ه.ق. مرکز خوره اصفهان و از مهم‌ترین شهرهای ایران ساسانی و جهان اسلام به‌شمار رود. در قرن چهارم ه.ق. با حضور آل بویه و تصمیم آن‌ها برای انتقال مرکز قدرت از جی به یهودیه و در پی آن احداث دروازه‌ها و سپس دیوار شهر یهودیه، از اهمیت جی کاسته و در عوض شهر یهودیه تبدیل به مرکز خوره اصفهان و یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام و از مراکز اصلی ایالت جبال گردید. به این ترتیب، افول شهر جی در مقابل رشد شهر یهودیه ارتباط مستقیمی با روی کار آمدن حکومت آل بویه و تصمیمات آن‌ها برای جابجایی مرکز قدرت از جی به یهودیه داشته است. امروزه با توجه به تخریب کامل دیوارهای هر دو شهر اطلاعات موجود از موقعیت آن‌ها محدود به نوشته‌های متون تاریخی و جغرافیایی، اندک شواهد باقی‌مانده از دیوار شهر یهودیه تا چند دهه پیش و بخش‌هایی از خندق آن تا به امروز و همچنین حفاری صورت‌گرفته در تپه جی است. با این همه، گویا با کمک متون جغرافیایی و تاریخی، شواهد باستان‌شناسانه، نقشه‌های قدیمی و تصاویر ماهواره‌ای کرونا بتوان دیوار شهر جی و شهر یهودیه را در رستاق جی مشخص و آن‌ها را روی نقشه فعلی شهر نمایان ساخت.

**واژه‌های کلیدی:** جغرافیای تاریخی، باستان‌شناسی، خوره اصفهان، جی، یهودیه، آل بویه.

## ۱. مقدمه

شهر جی، مرکز خورۀ اصفهان<sup>۲</sup> در دوران قبل از اسلام تا قرن چهارم هجری، و پس از آن شهر یهودیه از قرن چهارم به بعد شهرهای مرکز اصفهان و در شمار مهم‌ترین مراکز جهان اسلام بوده‌اند. هر دو شهر در رستاق جی قرار داشتند و به دلیل وضعیت توپوگرافیکی رستاق، یعنی عبور رودخانه زاینده‌رود و ارتفاعاتی که در جهات جنوب و شرق و غرب آن را محصور کرده‌اند از قابلیت بالای اقتصادی و نظامی برخوردار شده و به‌عنوان مهم‌ترین رستاق و رستاق مرکزی اصفهان از آن نام برده شده است. به این ترتیب، اهمیت این بخش از اصفهان که تا به امروز نیز مرکز استان اصفهان را تشکیل داده در تمامی دوران‌ها قابل بررسی است. در داخل رستاق، شهر جی، همانند بسیاری از شهرهای ساسانی، به شکل مدور و بر مبنای محاسبات دقیق نجومی با دیوار و چهار دروازه ساخته شده بوده و در دوران اسلامی و تا قرن چهارم هجری توسعه قابل توجهی در ربض خود پیدا کرده است. جابجایی مرکز اصفهان از جی به یهودیه در میانه قرن چهارم هجری باعث توسعه فزاینده شهر یهودیه شده است. این توسعه ارتباط مستقیمی با حضور فرمانروایان نظامی آل بویه و آل کاکویه در اصفهان داشته است. این دو خاندان، به واسطه حفظ قدرت و موقعیت خود در برابر نخبگان و بزرگان اصفهان که در شهر جی ساکن بودند. شهر یهودیه و به‌طور خاص گوشه جنوب غربی آن را که با نام قلعه طبرک شناخته می‌شود برای سکونت انتخاب نمودند و دیوار شهر یهودیه را ایجاد کردند که تا چند دهه پیش بخش‌هایی از آن باقی بود و امروز تنها در برخی جاها می‌توان خندق آن را دید.

در حال حاضر موقعیت و وسعت دقیق دو شهر جی و یهودیه برای ما به خوبی آشکار نیست. از رونق افتادن شهر جی و تخریب تدریجی آن و همچنین گسترش ساخت و ساز در داخل و خارج شهر یهودیه در دوره صفویه و تخریبات بعد از آن تا به امروز باعث گردیده تا شواهد باستان‌شناختی اندکی از آثار دیوار، که در مکان‌یابی شهر بیشترین کمک را می‌کنند، قابل شناسایی و بررسی باشد. اندک مطالعاتی که درباره پیدا کردن محل این دو شهر شده به‌طور خاص مربوط به شهر یهودیه است و آن هم در قالب بررسی وضعیت شهر صفوی صورت گرفته و در آن‌ها اشاراتی هم به محل دیوار شهر در قبل از دوره صفوی شده است. در مطالعات مربوط به قبل از دوره صفویه، به‌طور خاص خانم لیزا گلمبک دیوار شهر جی و دروازه‌های آن را به صورت شماتیک ترسیم کرده و شهر یهودیه را عمدتاً با استفاده از نقشه پاسکال کست روی نقشه امروز اصفهان نشان داده است که با توجه به مشخص نبودن اندازه‌ها و محل شهر جی در نقشه اصفهان و همچنین ایراداتی که بر دیوار ترسیم‌شده توسط کست وارد است نیاز به بازبینی دارد.<sup>۳</sup>

بر خلاف اندک شواهد باستان‌شناسانه، با توجه به اهمیت هر دو شهر در جهان اسلام، متون جغرافیایی و اداری و تاریخی در کنار تواریخ محلی و کتب انساب از همان قرن سوم ه.ق. و نقشه‌های تاریخی مربوط به دوره قاجار و بعد از آن اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت شهر جی و پس از آن شهر یهودیه در اختیار قرار داده‌اند که از طریق آن‌ها می‌توان به بسیاری از جزئیات شهر پی برد و حدود و ثغور آن را مشخص کرد. در این میان بررسی دقیق ابعاد شهر جی و مسائل نجومی مرتبط با ساخت آن و نقشه‌ای که سرهنگ چریکف از شهر اصفهان به سال ۱۸۵۱ میلادی تهیه کرده و انطباق آن با تصاویر ماهواره‌ای کرونا در سال ۱۹۶۹ میلادی در شناخت ابعاد و محدوده شهر جی و یهودیه کمک شایانی می‌کند. به این ترتیب، در این مقاله تلاش شده است تا با بررسی میراث مکتوب در کنار شواهد باستان‌شناختی بتوان موقعیت شهرهای جی و یهودیه را مشخص کرد. با انجام این مهم، امکان بررسی دقیق‌تر مسائلی از قبیل فاصله میان دو شهر، مقایسه ابعاد آن‌ها، تخمین جمعیت، فهم آثار ایجادشده در ربض هر دو شهر، چگونگی ارتباط قلاع کوهستانی مشرف بر آن‌ها فراهم می‌شود که در نهایت به فهم بهتری از پهنه مرکز خوره اصفهان و عناصر هم‌پیوند آن منجر خواهد شد. علاوه بر این، بررسی دلایل چرایی جابجایی مرکزیت اصفهان از شهر جی به یهودیه و عدم توجه به شهر جی در برابر رشد شهر یهودیه از دیگر مسائل این مقاله است.

## ۲. توسعه شهر جی و یهودیه

شهر جی به‌عنوان شهر اول اصفهان در زمان ساسانی (ابونعیم ۱: ۲۷-۲۸) تا قرن ۴ هجری و پس از آن شهر یهودیه هر دو در رستاق جی قرار داشته‌اند (شجاعی ۱۳۹۳: ۲۹-۳۹). پس از صلح اصفهان در نبرد با مسلمانان در میان سال‌های ۱۹ تا ۲۴ هجری، نخستین مسجد در داخل شهر جی احداث و جمعیت ساکن در دیگر شهرها و نقاط تخریب‌شده اطراف در آن مستقر شدند.<sup>۴</sup> یاقوت حموی و پس از او ابوالفدا به‌صراحت گفته‌اند که شهر جی را ساکنان بومی آن به نام شهرستان و اعراب مدینه می‌خوانند به این ترتیب، مراد از هر سه واژه جی، شهرستان و مدینه یک محل مشخص است (یاقوت، ۲/۱۹۶۵: ۱۸۱؛ ابوالفدا، ۴۱۰-۴۱۱) علاوه بر این، با بررسی دیگر متون نیز می‌توان به این موضوع پی برد که شهر جی یا شهرستان و مدینه به جای همدیگر به کاررفته‌اند.<sup>۵</sup> مسلمانان به‌غیر از سکونت در داخل دیوار شهر جی، همانند الگویی که در دیگر شهرهای مفتوحه به کار بردند، در خارج از دیوار نیز شروع به سکونت و توسعه شهر کردند. بدین ترتیب، سکونت در جی بدون تغییر و جابجایی شهر و تنها با توسعه ربض ادامه پیدا کرد.<sup>۶</sup> با بررسی رخدادهای تاریخی که

در آن‌ها به شهر جی در بعد از ورود اسلام و تا قبل از روی کار آمدن آل بویه یا ابتدای کار آن‌ها اشاره شده این موضوع به وضوح مشخص می‌شود که شهر بدون تخریب دیوار و جایابی از دوره ساسانی تا روی کار آمدن آل بویه به حیات خود ادامه داده است و تا زمان اهمیت یافتن شهر یهودیه در میانه قرن چهارم هجری، با توسعه‌ای که خارج از دیوار خود داشته همانند دوران قبل از اسلام برتری خود را حفظ کرده است (جدول ۱).

جدول ۱: توالی تاریخی رخدادهایی که به دیوار شهر جی اشاره دارند	
سال ق.	رخداد
۶۸	پرتاب تیر و سنگ از دیوار جی به طرف محاصره‌کنندگان (طبری ۱۹۶۷/۶: ۱۲۶؛ ابن اثیر ۲۰۰۱/۳: ۳۴۵)
۱۳۱	ورود یاران ابومسلم به شهر جی بعد از پیروزی بر عاملان اموی (طبری ۱۹۶۷/۷: ۴۰۶ - ۴۰۷)
حدود ۲۹۰	اشاره به برپا بودن دیوار شهر جی (ابن فقیه ۱۴۱۶: ۲۶۲)
بعد از ۲۹۰	اضافه شدن دروازه‌ای به جی در عوض دروازه خور <sup>۷</sup>
۳۱۰	طغیان زاینده‌رود به شکلی که آب رود یک سوی دیوار را فراگرفت و قسمتی از آن را سوراخ کرد (حمزه اصفهانی ۱۳۴۰ ق: ۱۲۴)
حوالی ۳۵۸	توصیف دیوار جی و صحبت از شروع تقسیم‌بندی آب زاینده‌رود بعد از رسیدن به دروازه شهرستان و نزدیک شدن به دیوار آن (ابن‌حوقل ۱۳۶۶: ۳۶۳ - ۳۶۵)
بعد از ۳۶۷	توصیف شهرستان با دزی بلند (مقدسی ۱۹۰۶: ۵۱ - ۳۸۹)
حوالی ۳۴۷ تا ۳۶۶	توصیف برخی از ساختمان‌های جی، دیوار، خندق و پل کنار آن به نام جسر حسین (ثعالبی ۳: ۳۷۴ - ۳۷۶)

با روی کار آمدن خلافت عباسی و افزایش جمعیت شهرنشین در اصفهان (Kamaly2004:3; Bulliet1994: 73)، علاوه بر توسعه در ربض جی، شهر یهودیه نیز در سال «یکصد و پنجاه و چند ق.» ایوب ابن زیاد عامل خلیفه منصور عباسی را در محلی به نام کوی جهودان احداث گردید (ابونعیم، ۱۶). به این ترتیب، در میانه قرن دوم هجری مرکز اصفهان دارای دو شهر شد، اما همچنان شهر جی به‌عنوان شهر اول اصفهان اهمیت خود را حفظ کرد، به نحوی که با بررسی متون جغرافیایی قبل از قرن چهارم تنها یعقوبی (تألیف حدود ۲۷۹ ق) یهودیه را به‌عنوان شهر دوم اصفهان بعد از جی آورده و ابن‌خردادبه تنها راه اصفهان به ری را از یهودیه شروع کرده است (یعقوبی ۱۸۹۲: ۲۷۴؛ ابن‌خردادبه ۱۸۸۹: ۴۲). همچنین ابن‌رسته نیز به وضوح از عنوان «مدینه اصفهان» برای توصیف مفصل شهر جی استفاده کرده است (ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۰) و همچون ابن‌فقیه صحبتی از یهودیه ندارد. به این ترتیب، تا زمان مستقر شدن آل بویه در یهودیه و ایجاد برج و دیوار آن، علاوه بر محدوده شهر، ربض جی نیز اهمیت خود را حفظ کرده بوده، به صورتی که ساختمان‌ها و محله‌های زیادی در آن قابل شناسایی هستند (شجاعی ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷). اما درباره این موضوع که ربض جی (شهرستان، مدینه) تا کجا ادامه پیدا کرده به درستی نمی‌توان نظر قطعی داد. تنها بعد از رونق گرفتن یهودیه فاصله میان یهودیه تا شهر قدیم اصفهان (جی، شهرستان، مدینه) ۲ میل نوشته شده است (اصطخری ۱۹۲۷: ۱۹۸؛

ابن‌حوقل ۱۳۶۶: ۳۶۲؛ مقدسی ۱۹۰۶: ۳۸۸؛ یاقوت ۲/۱۹۶۵: ۱۸۱). یاقوت در قرن هفتم هجری، ضمن اشاره به ساختمان‌های تخریب‌شده میان جی و یهودیه، ویرانه‌های میان این دو شهر را یک میل نوشته است (یاقوت ۲/۱۹۶۵: ۱۸۱؛ یاقوت ۱۹۹۴: ۱۱۸). حال اگر این ویرانه‌ها را مربوط به ربض شهر جی، یعنی از دیوار شهر جی به طول یک میل به سمت یهودیه، بدانیم، می‌توانیم طول ربض شهر جی را دست کم در سمت غربی تا نیمی از مسافت میان جی و یهودیه تصور کنیم. از زمانی که حکومت آل بویه در شهر یهودیه مستقر شد، یعنی در میانه‌های قرن چهارم، توصیفات این شهر در نوشته‌ها وارد شده، شهر اول اصفهان شده و در عوض از اهمیت جی کاسته شده است. استخری در *مسالك الممالک* (تألیف ۳۱۸ تا ۳۲۱ ق.) و ابن‌حوقل در *صورة الارض* (تألیف بعد از ۳۶۷ ق.) اصفهان را دارای دو شهر دانسته‌اند؛ شهر اول را یهودیه و بزرگ‌تر از شهر دوم، شهرستان، نوشته‌اند (اصطخری ۱۹۲۷: ۱۹۸-۱۹۹؛ ابن‌حوقل ۱۳۶۶: ۳۶۲؛ جیهانی ۱۳۶۸: ۱۴۱). پس از آن مقدسی در ۳۷۵ ق. تنها یهودیه را به‌عنوان قصبه اصفهان آورده و شهرستان را در کنار هشت شهر دیگر اصفهان با توصیفی بسیار مختصرتر از یهودیه شرح داده است (مقدسی ۱۹۰۶: ۴۸، ۵۱، ۳۸۸-۳۸۹). مختصر اشارات پس از این نوشته نشان از کم‌اهمیت شدن جی دارد. برای نمونه ناصر خسرو در *سفرنامه*، با وجودی که مدت زیادی در اصفهان بوده و از اصفهان به طرف شرق یعنی نایین رفته، هیچ اشاره‌ای به جی، که به‌طور حتم از آن عبور کرده است، ندارد. آخرین اشارات به شهر جی را می‌توان در حضور لشکریان برکیارق سلجوقی در شهر قدیم به نام شهرستان در سال ۴۹۵ ق. یا استقبال مردم از ملک‌شاه بن محمود سلجوقی در سال ۵۵۵ ق. در شهر جی و حضور سمعانی (۵۰۶ - ۵۶۲ ق.) در این شهر برای ثبت حدیث دانست (ابن‌اثیر ۸/۲۰۰۱: ۴۶۶؛ عمادالدین اصفهانی ۱۹۸۰: ۲۶۹؛ سمعانی ۲/۱۹۹۷: ۵). در نهایت یاقوت جی را اسم شهر قدیم اصفهان نوشته که در زمان او خراب بوده است (یاقوت ۲/۱۹۶۵: ۱۸۱). همان‌طور که دیده می‌شود، روند این نوشته‌ها نشان از اهمیت پیدا کردن شهر یهودیه و در مقابل کم‌اهمیت شدن جی و تخریب آن دارد، تا اینکه در دوران صفوی شاردن شهرستان را از دیه‌های بزرگ اصفهان و از نواحی بیرون پایتخت در کنار رودخانه و پل کم‌پهنایی (پل شهرستان) با ویرانه‌های زیاد نوشته است.<sup>۸</sup> شهرستان که تا چند دهه پیش یکی از روستاهای معتبر اصفهان بود (فرهنگ جغرافیایی ۷۱/۱۳۶۷: ۱۶۲)، اکنون با توسعه شهر به یکی از محلات اصفهان تبدیل شده است. شهر یهودیه، اگرچه در میانه قرن دوم هجری شکل گرفت و از همان ابتدا دارای مسجد و بازار و دارالاماره گردید و با افزوده شدن ۱۵ روستا توسعه قابل توجهی یافت (ابونعمی ۱: ۱۶)، تنها بعد از مستقر شدن دیلمیان به مرکز سیاسی و شهر اول اصفهان تبدیل شد. به

این ترتیب، تغییر در مرکزیت اصفهان ارتباط مستقیمی با ورود امرای آل بویه و به قدرت رسیدن آن‌ها در اصفهان دارد. فهم دقیق دلایل این مطلب نیاز به بررسی چندجانبه، از جمله بررسی روابط میان نخبگان و بزرگان اصفهان با خلفای عباسی و امرای دیلمی و بررسی جایگاه امرای آل بویه در میان نخبگان اصفهان، دارد. بعد از تثبیت قدرت خلفای عباسی شواهد زیادی از کشمکش بزرگان و نخبگان اصفهان، که با توجه به مرکزیت جی در آن سکونت داشتند، قابل پیگیری است.<sup>۹</sup> این افراد که در به قدرت رسیدن عباسیان نقش مهمی داشتند، با نفوذ خود مانع افزایش مالیات و کاهش تدریجی آن شدند.<sup>۱۰</sup> اما بعد از ورود امرای دیلمی به عرصه قدرت در اوایل قرن چهارم هجری، به واسطه قدرت نظامی خود موفق به تصرف بسیاری از مناطق از جمله اصفهان شدند. این گروه‌ها بر خلاف فرمانروایان محلی با دریافت مالیات مضاعف و ارسال آن به دستگاه خلافت موفق به جلب حمایت کامل خلفا نیز شدند و توانستند به تدریج قدرت بزرگان و نخبگان محلی را در اصفهان تضعیف کنند، به طوری که با بررسی مالیات اصفهان در این دوران مشخص می‌شود که در میان سال‌های ۱۷۰ تا ۲۶۰ ق، که آمار مالیات اصفهان موجود است، مالیات اصفهان از یازده میلیون و ششصد هزار درهم به هفت میلیون درهم کاهش پیدا کرده و با شروع قرن چهارم، یعنی همزمان با حضور امرای دیلمی، مالیات اصفهان به دوازده میلیون درهم افزایش یافته است (Christensen 1993: 151; Kamaly 2004: 82). در این میان در بین گروه‌های مختلف دیلمی نیز کشمکش‌های زیادی برای تصرف اصفهان صورت گرفت و ابتدا آل زیار و در نهایت آل بویه موفق به سلطه بر آن شدند.<sup>۱۱</sup>

امرای آل بویه و آل کاکویه، بر خلاف آل زیار که در جی سکونت کردند، از همان ابتدا تصمیم به اقامت در شهر یهودیه گرفتند و دروازه‌ها و دیوار شهر را احداث کردند. یکی از دلایلی که به نظر می‌رسد در این انتخاب نقش داشته حضور پرننگ بزرگان و نخبگان اصفهان در شهر اول اصفهان یعنی جی بوده است، چراکه شهرستان و مسجد جامع آن در اختیار بزرگان و اشراف اصفهان بوده و خلفا نمی‌توانسته‌اند بر خلاف جامع یهودیه اراده خود را به طور کامل بر آن تحمیل کنند (Kamaly 2004: 199-200). به همین دلیل برای جامع یهودیه اهمیت بیشتری قائل بودند و حتی در دورانی که جی شهر اول اصفهان بود و مسجد آن قدمت و اصالت بیشتری از مسجد یهودیه داشت، هزینه اختصاص داده شده به هر دو مسجد یکسان بوده است (ابونعیم: ۱۸؛ مقدسی ۱۹۰۶: ۳۸۹). به این ترتیب، امرای آل بویه با حمایت کامل خلیفه در یهودیه، که خلافت نفوذ بیشتری در آن داشت، مستقر شدند. علاوه بر این، انتخاب یکی از بخش‌های حاشیه‌ای شهر به عنوان

مقر حکومت آل بویه (قلعه طبرک) و قرار گرفتن آن در خارج دیوار دور شهر نیز ممکن است بازگوکننده، جایگاه آنان در میان مردم باشد، افرادی که از نظر مذهبی با جامعه بومی تفاوت شاخص داشتند (Durand-Guédy 2010: 32). از این تاریخ به بعد، به تدریج نام یهودیه به عنوان شهر اول در نوشته‌های جغرافیایی وارد می‌شود.

پس بدون شک می‌توان میان توسعه شهر یهودیه و افول جی ارتباط مستقیم برقرار کرد. اگرچه امرای آل زیار جی را برای سکونت خود انتخاب کردند (مسکویه ۵/۱۴۲۴: ۱۷۸)، اما به نظر می‌رسد با توجه به دلایل گفته‌شده این سیاست موفقیت‌آمیز نبوده و در نهایت امرای آل بویه برای اعمال قدرت و تشکیل حکومت در یهودیه مستقر شدند و در پی آن طرح ساخت دیوار شهر و قلعه طبرک را اجرا کردند. بر اساس آنچه گفته شد، شاید بتوان برخی وقایع همچون تخریب باب خور منتهی به بازار جورین، فروریختن سارویه جی، یا تخریب دیوار برای ایجاد خانه، که در آن‌ها از تخریب دیوار جی صحبت شده است، را در جهت اقدامات آگاهانه و بلندمدت خلفا و امرای آل بویه برای کم‌اهمیت کردن شهر جی یا بی‌توجهی عمدی به دیوار و تعمیرات آن به‌عنوان یکی از مراکز مخالفت با خلفای عباسی دانست (رک ابونعیم: ۱۵؛ ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۱؛ ابن‌ندیم ۱۳۵۰: ۳۰۱؛ آوی ۱۳۸۵: ۳۹؛ ثعالی ۱۳۶۳: ۴۴۵)

### ۳. مکان‌یابی دیوار و دروازه‌های شهر جی

قدیمی‌ترین متن ساخت شهر جی و ویژگی‌های آن کتاب *اعلاق النفیسه* ابن‌رسته تألیف بعد از ۲۹۰ هجری است. اگرچه پس از آن نیز ابوشیخ (۲۷۴-۳۶۹ ق.) در *طبقات المحدثین باصبهان* و ابونعیم در *ذکر اخبار اصبهان* (تألیف ۴۱۹-۴۲۰ ق.) و در نهایت مافروخی در *محاسن اصفهان* (تألیف حدود ۴۸۰ ق.) هر سه به نقل از کتاب مفقود *تاریخ اصفهان حمزه اصفهانی* (تألیف قبل از ۳۵۰ ق.) در این باره مطالبی را بازگو کرده‌اند، که در بسیاری موارد با نوشته ابن‌رسته منطبق است، اما متن ابن‌رسته علاوه بر قدمت جزئیات بیشتری دارد و از هماهنگی بیشتری برخوردار است (ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۵۱). به قول این نویسندگان شهر جی در ۱۷۰ سال قبل از اسلام در زمان فیروز پسر یزدگرد به شکل «دایره کامل» با ۱۰۰ برج و چهار دروازه به نام‌های دروازه خور (خورشید)، ماه‌بر یا باب اسفیج، دروازه تیره (طیره) و در نهایت دروازه گوش‌بر یا باب یهودیه به پایان رسیده است (ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۰-۱۶۱؛ ابونعیم: ۱۵-۱۶؛ مافروخی ۱۳۸۵: ۹۲). ابعاد شهر شخصی به نام محمد بن ابراهیم مشهور به محمد بن لده محاسبه کرده که ابن‌رسته از این فرد تنها با عنوان مهندس نام برده و هیچ‌گونه اطلاعات دیگری از او، سمت او و

چرایی محاسبه ابعاد شهر جی بیان نکرده است. بر اساس این محاسبه، که «با نهایت دقت» انجام شده، محیط شهر ۱۰۰۰ قصبه (نی) برابر با ۶۰۰۰ ذراع یا نیم فرسخ، مساحت شهر ۸۰۰۰۰ قصبه یا ۲۰۰۰ جریب دهقانی، قطر شهر ۳۲۰ قصبه بوده و فاصله دروازه‌ها از خور تا یهودیه ۲۱۰۰ ذراع با ۱۸ برج، یهودیه تا تیره ۱۲۰۰ ذراع با ۲۳ برج، تیره تا اسفیج ۱۳۰۰ ذراع با ۲۴ برج و اسفیج تا خور ۱۴۰۰ ذراع با ۳۵ برج (ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۰؛ ابی‌شیخ ۱۴۰۹: ۱-۱۷۶؛ ابونعیم: ۱۶). در بین واحدهای مربوط به ابعاد شهر واحد قصبه پیچیدگی کمتری دارد، به طوری که تا قرن ۱۳ ق. مورد استفاده بوده و تنها معادل ۳/۹۹ متر محاسبه شده است (هینس ۱۳۸۸: ۱۰۱). بر خلاف آن واحد ذراع را بین ۴۵ تا ۸۰ سانتی‌متر محاسبه کرده‌اند (دیانت ۱/۱۳۶۷: ۲۳۶). اما از آنجایی که محیط شهر برابر با ۱۰۰۰ قصبه و این مقدار برابر با ۶۰۰۰ ذراع بوده، مشخص می‌شود که هر قصبه برابر با شش ذراع در نظر گرفته شده که در اصطلاح واحدهای اندازه‌گیری به آن ذراع هاشمی گفته می‌شده است (دیانت ۱/۱۳۶۷: ۳۳۸). این نوع ذراع به دو واحد کوچک و بزرگ تقسیم می‌شده که ذراع هاشمی کوچک با اعداد ۵۴/۸۱، ۶۰/۰۵۵ و ۶۰/۷ سانتی‌متر و ذراع هاشمی بزرگ با ۶۳/۷۱ و ۶۵/۷۷، ۶۶/۵ یا ۶۶/۹ سانتی‌متر تطبیق داده شده است (هینس ۱۳۸۸: ۹۴؛ دیانت ۱۳۶۷: ۲۳۶؛ امام شوشتری ۱۳۳۹: ۳۵). حال از آنجا که محیط شهر بر اساس واحد قصبه برابر با ۳۹۹۰۰۰ سانتی‌متر می‌شود، این عدد تنها با ذراع ۶۶/۵ سانتی‌متر همخوانی دارد (۶۶/۵ × ۶۰۰۰ برابر با ۳۹۹۰۰۰ سانتی‌متر یا ۳۹۹۰ متر). به این ترتیب، می‌توان ذراع مورد استفاده محمد بن لُده را از نوع ذراع هاشمی بزرگ معادل با ۶۶/۵ سانتی‌متر دانست.

با مشخص شدن واحد ذراع و قصبه می‌توان ابعاد شهر را به مقیاس امروزی به دست آورد. اما باید در نظر داشت که ابن لُده برای به دست آوردن ابعاد شهر و همچنین فاصله دروازه‌ها ناگزیر بوده دور تا دور شهر را از بیرون پیمایش کند، چراکه ساخت و سازهای داخل شهر به او اجازه اندازه‌گیری محیط و قطر شهر را نمی‌داده است. به این ترتیب، او در پیمایش خود فقط فاصله میان دروازه‌ها و محیط شهر را پیمایش کرده و بر اساس آن مساحت و قطر شهر را به دست آورده است، همان‌طور که در متن ابن‌رسته نیز محیط قبل از مساحت و قطر بیان شده است. با توجه به اینکه محمد بن لُده قطر شهر را ۳۲۰ قصبه یا ۱۹۲۰ ذراع نوشته، مشخص می‌شود که او در پیمایش خود برای محیط شهر عدد ۱۰۰۴/۸ قصبه معادل ۶۰۲۴/۸ ذراع را به دست آورده بوده است که بر اساس فرمول شعاع دایره، شعاع شهر ۱۶۰ قصبه یا ۹۶۰ ذراع و قطر آن ۳۲۰ قصبه یا ۱۹۲۰ ذراع شده است، یعنی:



$$\begin{aligned} 2\pi r &= 1004/8 \Leftrightarrow \pi r = 502/4 \Leftrightarrow r = 502/4 \div 3/14 \Leftrightarrow r = 160 \\ \text{شعاع شهر} & \\ 2 \times 160 &= 320 \\ \text{قطر شهر} & \end{aligned}$$

اینکه چرا او به جای عدد ۱۰۰۴/۸ قصبه و ۶۰۲۴/۸ ذراع عدد ۱۰۰۰ قصبه و ۶۰۰۰ ذراع را نوشته ممکن است به دلیل گرد کردن آن عدد باشد، چراکه این تفاوت برای اندازه شهر جزیبی و معادل ۰/۰۴۷ درصد از محیط شهر یعنی ۱۶/۴ متر است، اما از آنجا که در محاسبه قطر شهر بدون اعشار به دست آمده، نیازی به گرد کردن آن نبوده است. مساح سپس فرمول به دست آوردن مساحت را چنین گفته که نصف قطر در نصف محیط معادل ۸۰۰۰۰ قصبه یا دو هزار جریب دهقانی است (ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۰). براین اساس مساحت شهر می‌شود:

$$\pi r^2 = 3/14 \times 160 \times 160 = 80384 \text{ مساحت دایره}$$

اما با توجه به اینکه از نتیجه محاسبه عدد ۸۰۳۴۸ قصبه مربع به دست می‌آید، باز می‌توان احتمال داد که این عدد نیز به صورت گردشده نوشته شده و ۳۴۸ قصبه مربع آن معادل ۰/۰۴۳ درصد از مساحت شهر یعنی ۱۳۸۸/۵ متر مربع در نظر گرفته نشده است. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان ابعاد شهر را چنین پیشنهاد داد:<sup>۱۲</sup>

$$\text{شعاع} : 160 \times 6 \times 66/5 = 638/4 \text{ m}$$

$$\text{محیط} : 6024/8 \times 66/5 = 4006/492 \text{ m}$$

$$\text{مساحت} : 80348 \times 6 \times 66/5 = 320588/52 \text{ m}^2$$

اکنون برای مشخص کردن محل دروازه‌ها از بخش دیگری از کتاب *اعلاق النفیسه* ابن‌رسته کمک می‌گیریم که این مطلب را نیز با دقت و جزئیات بیشتری از دیگران بیان کرده است. بر این اساس، ساخت دروازه‌ها و وضعیت قرار گرفتن آن‌ها منطبق با طلوع و غروب خورشید در انقلابین یعنی برج‌های جدی و سرطان بوده است (ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۱؛ ابونعیم: ۱۵؛ مافروخی ۱۳۸۵: ۹۳؛ آوی ۱۳۸۳: ۴۰). بدین معنی که خورشید در اول درجه از جدی مصادف با انقلاب زمستانی از جانب دروازه خور طلوع و در دروازه یهودیه غروب، همچنین در اول درجه از سرطان مصادف با انقلاب تابستانی در دروازه اسفیج طلوع و در دروازه تیره غروب می‌کند. تا اینجا و بر اساس این عبارت به خوبی می‌توان محدوده چهار دروازه را مشخص کرد، چراکه با توجه به موقعیت مدار رأس‌السرطان و رأس‌الجدی روی زمین و حرکت خورشید از شرق به غرب، دروازه طیره در سمت غرب مایل به شمال، دروازه اسفیج در سمت شرق مایل به شمال، دروازه خور در سمت شرق مایل به جنوب و دروازه یهودیه در سمت غرب مایل به جنوب جای داشته و امکانی غیر از این وجود نداشته است. علاوه بر این، نام دروازه‌ها نیز در تأیید این موضوع به ما کمک می‌کند:

دروازه خور که نشان از شرق دارد در سمت شرقی شهر قرار داشته است (مسعودی ۱۸۹۳: ۳۱)، جایی که امروزه محل‌هایی با نام جور و گورت و خوراسگان وجود دارد و بازار جورین، که در ربض شرقی شهر ساخته شده بود، به تناسب با همین موضوع به این نام نامیده شده است. علاوه بر این، با بسته شدن دروازه خور در نیمه جنوبی شهر در دوره اسلامی و تا قبل از تألیف کتاب *علاق/النفیسه* و احداث دروازه دیگری، که نزدیک‌ترین دروازه به زاینده‌رود نام برده شده، معلوم می‌شود دروازه خور در سمت زاینده‌رود در نیمه جنوبی شهر ساخته شده و در نهایت دروازه گوش یا جوش در سمت غربی شهر جی به مناسبت مجاورت با شهر یهودیه باب یهودیه نامیده شده است (ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۱؛ ابونعیم: ۱۶).<sup>۱۳</sup> در تعیین محل دروازه‌ها، ابن‌رسته تنها در مورد دروازه اسفیج به‌صراحت بیان کرده که در انقلاب تابستانی درست مقابل درجه طلوع خورشید بوده است. به‌همین خاطر می‌توان ابتدا محل دروازه اسفیج را مشخص کرد و سپس فاصله‌های میان دروازه‌ها را که این‌کده پیمایش کرده به درجه تبدیل و روی دیوار شهر مشخص کرد. برای مشخص کردن محل دروازه اسفیج بایستی تاریخ انقلابین را در ۱۷۰ سال ق. قبل از اسلام به دست آورد که برابر با ۴۵۶ میلادی می‌شود.<sup>۱۴</sup> اکنون با کمک نرم‌افزاری به نام *Cartes du Ciel* که به این منظور طراحی شده است می‌توان روز دقیق انقلابین و زاویه طلوع و غروب خورشید در ۴۵۶ میلادی را به دست آورد (جدول ۲).<sup>۱۵</sup>

جدول ۲: زاویه طلوع و غروب خورشید در انقلابین به تاریخ ۱۷۰ سال قبل از اسلام				
زمان	سمت طلوع	متناظر با دروازه	سمت غروب	متناظر با دروازه
اول جدی ۴۵۷/۶/۲۱ میلادی	۱۱۷° ۵۰'	خور	۲۴۲° ۱۰'	یهودیه
اول سرطان ۴۵۶/۱۲/۱۹ میلادی	۶۰° ۵۸'	اسفیج	۲۹۹° ۰۲'	طیره

بعد از مشخص شدن زاویه دروازه اسفیج باید اندازه‌های فواصل میان دروازه‌ها را به درجه تبدیل و سپس آن‌ها را در دیوار شهر مشخص کرد (جدول ۳، نقشه ۱).<sup>۱۶</sup>

جدول ۳: محاسبه دروازه‌های شهر بر مبنای محل دروازه اسفیج و فاصله میان دروازه‌ها		
دروازه	زاویه بین دو دروازه	زاویه روی دیوار شهر
اسفیج تا خور	۸۳/۵۶ درجه	۶۰/۹۶
خور تا یهودیه	۱۲۵/۳۴ درجه	۱۴۴/۵۲
یهودیه تا طیره	۷۱/۶۲ درجه	۲۶۹/۸۶
طیره تا اسفیج	۷۷/۵۹ درجه	۳۴۱/۴۸

اکنون با معلوم شدن ابعاد شهر و محل دروازه‌ها می‌توان موقعیت آن را روی نقشه در محله شهرستان مشخص کرد و محدوده شهر جی را با وضعیت کنونی آن و آثار باقی‌مانده سنجید. با توجه به طغیان زاینده‌رود در سال ۳۱۰ ق. و تخریب بخشی از دیوار شهر جی، شهر نمی‌توانسته فاصله زیادی از رودخانه داشته باشد (حمزه اصفهانی: ۱۳۴۰: ۱۲۴). از معروف‌ترین آثار پابرجا در این محدوده پلی است که به خاطر مجاورت با این منطقه به پل شهرستان معروف شده و از آن به‌عنوان قدیمی‌ترین پل زاینده‌رود یاد شده است (هنرفر ۱۳۴۴: ۸-۹). پل در اشعار ابوسعید رستمی، از شعرای قرن چهارم هجری، در کنار برخی از آثار تخریب‌شده جی چون دروازه‌ها، مصلی، خندق و برخی از قصور آن، به نام جسر حسین توصیف شده است و به‌خوبی در جایابی شهر جی به ما کمک می‌کند (مافروخی ۱۳۸۵: ۵۷؛ تعالی ۳/۱۹۸۳: ۳۷۴-۳۷۶). از دیگر آثار مربوط به شهر جی مقبره الراشد بالله بوده که در سال ۵۳۲ ق. به قتل رسیده و برای او در مسجد جامع شهر جی مقبره خصوصی درست کرده بودند و اکنون هم در شمال پل قابل دیدن است (عماد اصفهانی ۱۹۸۰: ۱۶۷-۱۶۸).<sup>۱۷</sup> در کاوش، باستان‌شناختی که در سال ۱۳۵۵ شمسی در تپه‌ای به نام جی در جنوب بقعه صورت گرفت، شواهد مسجد جامع و پایه منار آن که تا سال ۱۳۳۳ شمسی به نام منار شهرستان باقی بود آشکار شد (میرفتاح ۱۳۵۵: ۲۳۱-۲۳۳؛ هنرفر ۱۳۴۴: ۲۱۰). علاوه بر این، دیواری به طول ۶ متر و عرض ۱ تا ۱/۵ متر با خشت‌هایی به ابعاد ۴۰ سانتی‌متر در جهت شرقی-غربی به‌دست آمده که به گفته حفار آن مربوط به دیوار شهر جی بوده است (میرفتاح ۱۳۵۵: ۲۳۴؛ همچنین گفتگوی نگارنده با آقای دکتر میرفتاح).

حال با کمک این آثار و به‌طور خاص دیوار منسوب به شهر جی می‌توان دایره ترسیم‌شده از شهر جی را بر آن منطبق و محل شهر را مشخص کرد (نقشه ۱). لازم به ذکر است محل مشخص‌شده در نقشه محل قطعی نبوده و فهم دقیق آن نیاز به انجام بررسی‌های دقیق باستان‌شناختی در محل‌هایی است که در ساخت و سازهای جدید محفوظ مانده‌اند.

#### ۴. مکان‌یابی دیوار یهودیه

قدیمی‌ترین نشانه از دروازه‌های یهودیه مربوط به کتاب *احسن التقاسیم* تألیف ۳۷۵ ق. است که در آن به‌طور مختصر بدون صحبت از دیوار، برای شهر «۱۲ درب» نام برده شده است (مقدسی ۱۹۰۶: ۳۸۹). مقدسی در توصیفاتی که از شهرها، به ویژه شهرهای معروف، داشته عمدتاً به دیوار شهر و قلاع داخل شهر (ارگ یا کهندژ) و دروازه‌های آن‌ها توجه داشته، به شکلی که در کتاب خود برای ورودی‌های شهر از واژه «درب» و برای ورودی‌های کهندژ یا ارگ شهر از واژه «باب» استفاده کرده است. به همین دلیل منظور

از ۱۲ درب یهودیه، ورودی و خروجی‌های شهر در زمان مقدسی بوده است، اما اینکه او اشاره‌ای به دیوار شهر نکرده می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که در زمان او محل‌های ورود و خروج شهر مشخص و مقدمات ساخت دیوار یا فقط بخشی از آن ایجاد شده بوده است. این موضوع را می‌توان در توصیفی که مقدسی از شهر قیروان کرده نیز دید که نام ۱۵ درب را برای شهر برشمرده است و به‌وضوح بیان کرده که شهر دیوار ندارد (مقدسی ۱۹۰۶: ۲۲۵-۲۲۶) بدین ترتیب، می‌توان انتساب ساخت دیوار به رکن‌الدوله حسن بن بویه، (حکومت از ۳۲۳ ق. به تناوب و از ۳۴۴ تا زمان فوت در ۳۶۶ ق. به صورت دائمی) را شروع اندیشه محصور کردن شهر دانست و نه اتمام دیوار شهر (مستوفی ۱۳۸۱: ۸۹-۹۰).

دیوار شهر یهودیه به‌طور حتم به دست علاءالدوله ابوجعفر کاکویه (حکومت ۳۹۸-۴۳۳ ه.ق.) به پایان رسیده است، چراکه مافروخی در تألیف خود (حدود ۴۸۰ ه.ق.) به‌وضوح در دو جا علاءالدوله را سازنده دیوار شهر و خندق آن و «دوازده جفت در آهن پوش» معرفی کرده و جزئیات محل عبور دیوار از محدوده خارج از شهر و همچنین از میان بعضی محله‌های شهر و نگرانی‌های مردم از بابت هزینه‌های ساخت را آورده است (مافروخی ۱۳۸۵: ۴۷-۹۱). درباره تاریخ اتمام دیوار ابن‌اثیر در وقایع ۴۱۸ ه.ق. از محاصره علاءالدوله و تحصن او در شهر خبر داده و به این ترتیب می‌توان تاریخ ساخت دیوار را در قبل از سال ۴۱۸ ق. دانست که در سال‌های بعد، از جمله در ۴۲۹ ق. به خاطر حمله طغرل سلجوقی، مرمت شده است (ابن‌اثیر ۲۰۰۱ / ۷: ۶۹۸؛ ۸: ۴۶۵). پس از تکمیل دیوار، ناصرخسرو در سال ۴۴۴ ه.ق. دیوار شهر را بدون اشاره به سازنده آن به خوبی توصیف کرده است. به گفته او شهر «دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته و بر همه دیوار و کنگره ساخته شده» و نقل قولی از مردم اصفهان آورده که ساخت دیوار باعث متغیر شدن هوای شهر شده است (ناصرخسرو ۱۳۸۷: ۱۶۵-۱۶۷). این نشان می‌دهد هنوز کسانی در یهودیه زندگی می‌کرده‌اند که شهر قبل از دیوار را دیده بوده‌اند و آن را با شهر محصور مقایسه کرده‌اند، و این ساخت دیوار به دست علاءالدوله را تأیید می‌کند.

دیوار یهودیه تا زمان صفویه کارکرد خود را در محافظت از شهر و تعیین محدوده آن ایفا کرده، به‌طوری که در نوشته‌های تاریخی می‌توان شواهد زیادی از حوادث مربوط به محاصره شهر، تخریب یا بازسازی دیوار و دروازه‌ها به دست آورد (ابن‌اثیر ۲۰۰۱: ۸۴ و ۴۶۵؛ طهرانی اصفهانی ۱۳۵۲: ۳۲۲-۳۲۹؛ حافظ ابرو ۲/۱۳۷۵: ۳۵۵). در دوره صفویه گسترش گسترده شهر در خارج از دیوار شهر و بی‌توجهی به آن باعث شد تا بخش‌هایی از دیوار تخریب شود. این موضوع در سمت جنوب غرب شهر که ساخت‌وساز حرم و باغ‌های شاهی صورت گرفت بیش از دیگر قسمت‌ها ملموس بود. سیاحان دوره صفوی ضمن اشاره به

بی‌اهمیت بودن دروازه‌ها و دیوار شهر به بخش‌های تخریب‌شده‌ای از دیوار اشاره کرده‌اند که مردم از آن‌ها نیز برای رفت‌وآمد استفاده می‌کرده‌اند (شاردن ۱۳۷۲/ ۴: ۱۳۹۴-۱۳۹۸؛ تاورنیه ۱۳۶۹: ۳۷۹؛ اولناریوس ۲/۱۳۶۹: ۶۰۲-۶۰۳). این قسمت‌ها در دوره‌های بعد همچنان کارکرد جدید خود را به‌عنوان دروازه حفظ کرده و این باعث شده تا تعداد دروازه‌ها بیش از ۱۲ و بین ۱۳ تا ۲۶ عدد متغیر شود (کست ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹؛ مهریار ۱۳۷۸: ۱۷۹-۱۸۱؛ هولستر ۱۳۵۵: ۴-۵؛ ارباب اصفهانی ۱۳۴۰: ۲۳-۲۴؛ تحویلدار ۱۳۴۲: ۳۶).

اگرچه در حال حاضر هیچ نشانه‌ای از دیوار شهر باقی نمانده، در نوشته‌های مربوط به دوره قاجار بخش‌هایی از آثار دیوار در قسمت شمال و شمال غرب شهر ثبت شده بود (نورصادقی ۱۳۱۶: ۱۵۸؛ صدر هاشمی ۱۳۲۷: ۲۰؛ جابری انصاری ۱۳۷۸: ۱۵، ۱۲۴، ۱۴۳؛ هنرفر ۱۳۴۴: ۳۴؛ همایی ۱۳۸۴: ۴۸۵؛ شفقی ۱۳۸۱: ۲۶۷، ۲۶۹، ۳۳۱). شواهد مربوط به خندق در حال حاضر نیز در برخی قسمت‌ها باقی مانده است (همایی، ۱۳۸۴: ۴۸۴) (نقشه ۲).

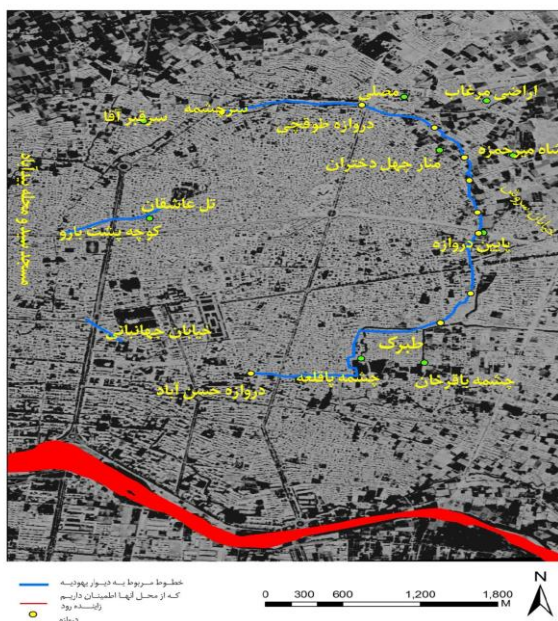
در نوشته‌های قبل از دوره صفویه برای تعیین محدوده دیوار شهر یهودیه عبارت ارزشمندی از حافظ ابرو باقی مانده که با کمک آنچه گفته شد برای مشخص کردن نیمه شرقی دیوار شهر راه‌گشاست. او که پس از قتل عام تیمور در اواخر شوال سال ۷۸۹ ق. در اصفهان حضور داشته، در توصیف مناره‌هایی که از سر کشتگان درست شده بود عبارتی آورده که محل نیمی از دیوار شهر را از دروازه توقچی تا قلعه طبرک نوشته است (حافظ ابرو ۲/۱۳۸۰: ۶۶۷؛ سمرقندی ۲/۱۳۸۳: ۵۹۶). علاوه بر این متن، در نقشه‌ای که سرهنگ چریکف به سال ۱۸۵۱ میلادی از شهر تهیه کرده این بخش از دیوار هنوز باقی بوده و همراه با بخش‌هایی از خندق بدون انقطاع نشان داده شده است و با توصیف حافظ ابرو منطبق است (مهریار ۱۳۷۸: ۱۷۰، ۱۷۳). حال با توجه به شواهد فوق، به‌ویژه زمین‌مرجع کردن نقشه چریکف، می‌توان درباره محل دیوار در این قسمت شهر مطمئن شد (نقشه ۲)<sup>۱۸</sup>. در قسمت غرب شواهد کمتری برای مشخص کردن دیوار در دست است. در این قسمت محله‌ای با نام بیدآباد وجود دارد که در زمان احداث دیوار شهر در غرب دیوار و خارج از آن بوده و همچنان تا چند دهه پیش از محلات خارج از شهر محسوب می‌شده است و در مشخص کردن حد غربی شهر راه‌گشاست (آوی ۱۳۸۳: ۱۰۳؛ جابری انصاری ۱۳۷۸: ۱۳۳). در این قسمت کوچه و محله‌ای به نام پشت دیوار وجود دارد که در نقشه سید رضا<sup>۱۹</sup> از شهر نیز مشخص است (هنرفر ۱۳۴۴: ۴۵). علاوه بر نام کوچه، شکل و موقعیت آن در مقایسه با دیگر آثار دیوار به گونه‌ای است که نشان از عبور دیوار از این قسمت دارد.<sup>۲۰</sup> شواهد دیوار در قسمت جنوب غربی شهر را در جایی می‌توان مشخص کرد که در نقشه کمپفر از دولت‌خانه صفوی با عنوان راه بسته شاهی در جوار دیوار قدیمی شهر

مشخص شده و امروز بر خیابان جهانبانی (باغ گلدسته) منطبق است (Babaie 2008: 80)؛ عالمی ۱۳۷۳: ۳۱). به این ترتیب، بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان محدوده شهر یهودیه از قرن چهارم ق. تا دوره صفویه را مشخص کرد (نقشه ۲). بر این اساس، همانند توصیف ناصر خسرو از شهر در قرن پنجم هجری مسجد جامع تقریباً در مرکز شهر قرار می‌گیرد (ناصر خسرو ۱۳۸۷: ۱۶۶).

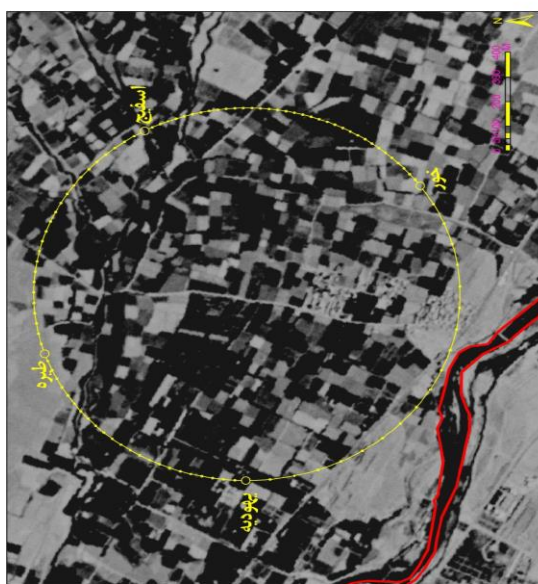
## ۵. نتیجه

شهر جی در دوران قبل از اسلام و تا قرن چهارم هجری شهر اول اصفهان بوده و با توسعه در ربض آن به یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام تبدیل شده است. با روی کار آمدن امرای آل بویه به واسطه شرایط خاص سیاسی آن دوره شهر جی اهمیت خود را از دست داده و در عوض شهر یهودیه با وسعتی به مراتب بیش از آن در جنوب غربی جی توسعه یافته است.

فهم قواعد نجومی حاکم بر ساخت دیوار و دروازه‌های چهارگانه شهر جی در دوره ساسانی و تبدیل ابعاد شهر به مقیاس امروزی به ما اجازه می‌دهد تا در حد امکان موقعیت دیوار، دروازه‌ها و برج‌های شهر را بر نقشه فعلی شهر منطبق کنیم. باقی بودن آثار دیوار یهودیه تا چند دهه پیش در کنار بخش‌هایی از خندق، که امروز نیز قابل دیدن است، و استفاده از متونی که درباره دیوار آن مطالبی را در خود دارند، امکان ترسیم بخش‌های زیادی از دیوار را بر شهر امروز فراهم می‌نماید. در این میان به‌طور خاص زمین‌مرجع کردن نقشه سرهنگ چریکف ترسیم بخش شرقی دیوار را با دقت بالایی نسبت به آنچه تا کنون گفته شده فراهم می‌آورد. این هر دو شهر در رستاق جی، مهم‌ترین رستاق اصفهان، قرار داشته‌اند که شرایط مطلوب جغرافیایی استمرار حیات را در طی قرون متمادی تا به امروز به بهترین نحو برای آن فراهم آورده است. فهم دقیق موقعیت دو شهر جی و یهودیه در دوران اسلامی و فراز و نشیب‌های آن‌ها در طی این دوران به ما اجازه می‌دهد تا با نگاهی جامع دلیل بسیاری از رخدادهای تاریخی را آشکار کرده و با نگاه کلان، پهنه مرکز خوره اصفهان و عناصر ایجادشده در آن را بهتر بشناسیم.



۲: شهر یهودیه و عناصر باقی مانده در تشخیص دیوار آن، تصویر ماهواره‌ای کرونا از سال ۱۹۶۹ میلادی



نقشه ۱: مکان‌یابی شهر جی و تطبیق دروازه‌ها بر اساس موقعیت نجومی دروازه اسفنج و پیمایش این لُده در تصویر کرونا از سال ۱۹۶۹ میلادی

### پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله بخشی از رساله دکتری اینجانب با عنوان «بررسی باستان‌شناختی قلاع و استحکامات اصفهان از آغاز دوران اسلامی تا دوره صفوی» است که از اهداف آن فهم چگونگی ارتباط قلاع کوهستانی مشرف بر شهرهای

اصفهان با یکدیگر و با شهرهای اصفهان بوده است. موضوعی که برای فهم همه‌جانبه آن نیاز به شناخت دقیق موقعیت شهرها و بررسی شرایط تاریخی آن‌ها است و در آن به طور مفصل درباره شهرهای خوره اصفهان، به‌ویژه دو شهر جی و یهودیه و ربض آن‌ها، صحبت شده است.

۲. خوره یا کوره از واحدهای جغرافیایی و به معنای بخشی از ایالت بوده که شامل چندین رستاق شده است در نتیجه خوره واحدی بزرگ‌تر از رستاق و کوچک‌تر از ایالت است. از آنجایی که در بیشتر دوره‌های اسلامی اصفهان عنوان یکی از خوره‌های ایالت جبال بوده است، برای عدم تداخل با شهر اصفهان از واژه خوره استفاده گردید. به این ترتیب منظور از اصفهان در این نوشته فقط خوره اصفهان بوده و برای دو شهر اصلی خوره اصفهان از نام جی و یهودیه استفاده شده است. برای اطلاع بیشتر درباره خوره رک. یاقوت حموی ۱/۱۹۶۵: ۳۹-۴۱؛ ابن‌خردادبه ۱۸۸۹: ۵-۶.

۳. درباره کاوش‌های باستان‌شناسی تنها در تپه جی شواهدی به دیوار شهر منسوب شده و هیچ‌گونه مطالعات باستان‌شناسانه‌ای برای مشخص کردن محدوده شهر یهودیه صورت نگرفته است.

۴. ابونعیم به صراحت بیان کرده که جی با صلح در دست مسلمانان قرار گرفت و بعد از تخریب شهر قه جمعیت اصفهان در آن مستقر شدند. ابونعیم: ۲۸؛ درباره فتح اصفهان در میان سال‌های گفته‌شده رک. یعقوبی ۱۸۹۲: ۱۷۴-۱۷۵؛ ابونعیم: ۶۳؛ ابن‌فقیه: ۲۶۱؛ بلاذری، ۳۰۴-۳۰۶؛ *مجم‌التواریخ و القصص*، ۲۷۶؛ یاقوت حموی، ۲۹۶.

۵. برای نمونه در حاشیه متن ابن‌رسته در توصیف مدینه اصفهان آمده است مدینه جی مشهور به شهرستان (ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۰)؛ در *مجم‌التواریخ* (تألیف ۵۲۰ ه.ق.) گفته شده است که اسکندر «شهرستان اسپهان» ساخت و فیروز بن یزدجرد (پدر قباد) «شهرستان جی اصفهان تمام کرد» (*مجم‌التواریخ و القصص* ۱۳۸۹: ۵۷-۷۱)؛ ابن‌حوقل دیوار جی را که عمده مورخین با همان نام دیوار جی به اسکندر نسبت داده‌اند، با نام دیوار شهرستان یاد کرده و ساخت دیوار شهرستان را به اسکندر نسبت داده است (ابن‌حوقل ۱۳۶۶: ۳۶۳).

۶. لومبارد ۱۳۹۰: ۴۸؛ <http://www.iranicaonline.org/articles/arab-iii>

۷. ابن‌رسته برای ساخت دروازه جدید از واژه «اخیراً» استفاده کرده است، به این ترتیب شاید بتوان تاریخ آن را نزدیک با زمان نوشتن کتاب دانست: ابن‌رسته ۱۸۹۲: ۱۶۱؛ ابونعیم، ۱۵.

۸. شاردن ۱۳۶۰/۴: ۱۵۴۶-۱۵۴۷؛ شرح مختصر و تصویر و نقشه ارزشمندی از این آثار در مقاله بدونن آمده است. Beaudouin 1933:22, 39.

۹. برای نمونه بازبینی مالیات قم و تلاش برای افزایش آن در قمی ۱۳۸۵: ۷۴-۸۲؛ حسین کمالی در پایان‌نامه خود به طور عمده با بررسی رجال ذکرشده در دو کتاب *طبقات محدثین اصفهان* و *ذکر اخبار اصفهان* و برخی دیگر از منابع دست اول، شواهد بسیاری از کشمکش میان دستگاه خلافت و حکمرانان محلی برای این موضوع ارائه کرده است: Kamaly 2004: 92-106.

۱۰. اصفهان از مناطقی است که در شورش‌های علیه حکومت اموی نقش فعالی داشته است. برای نمونه می‌توان به شورش عبدالله بن معاویه و مستقر شدن او در اصفهان و شورش ابوعلی اصفهانی یا حضور سعید بن جبیر از مخالفان امویان در اصفهان و حضور خوارج در اصفهان از قرن اول هجری و نبردهای آن‌ها اشاره کرد. برای فرماندهانی که از اصفهان در قیام ضد اموی شرکت داشتند و توانستند قدرت را در اصفهان به دست آورند رک. Kamaly 2004: 91-92.

۱۱. با بررسی حوادث دهه‌های اولیه قرن چهارم هجری می‌توان این لشکرکشی‌ها را دنبال کرد؛ برای نمونه حمزه اصفهانی از کشته شدن ۲۰۰ هزار نفر در قحطی سال ۳۲۳ و ۳۲۴ ق. خبر داده است: حمزه اصفهانی ۱۳۴۰: ۱۲۴؛ علاوه بر این یورش و تصرف اصفهان به دست شخصی به نام لشکری دیلمی از فرماندهان دیلمی در مسکویه



مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی اصفهان و جابجایی مرکز قدرت تا برآمدن سلجوقیان/۷۳

۱۴۲۴/۵: ۱۲۱-۱۲۲؛ حضور علی بن وهسوزان دیلمی به‌عنوان سالار جنگ اصفهان در سال ۳۰۴ ه.ق. در ابن اثیر ۲۰۰۱/۶: ۶۴۴؛ نبردهای مرداویج برای تصرف اصفهان در مسکویه، *تجارب‌الامم*، حوادث مربوط به سال‌های ۳۱۹ تا ۳۲۱ ق؛ تصرف اصفهان به‌دست وشمگیر در سال ۳۲۷ ق. در ابن اثیر ۲۰۰۱/۷: ۸۱؛ تلاش مرزبان دیلمی برای تصرف اصفهان در سال ۳۳۹ ق. در مسکویه ۱۴۲۴/۵: ۲۹۷-۳۰۰

۱۲. در مطالعات خانم لیزا گلمبک و آقای حسین کمالی جزئیات و روش محاسبه گفته نشده، اما آن‌ها نیز محیط شهر را بر اساس نیم فرسخ گفته‌شده در حدود ۳۰۰۰ متر و قطر شهر جی را کمی بیشتر از ۱۲۵۰ متر نوشته‌اند: Kamaly 2004: 28; Golombek 1974: 23

۱۳. مشخص می‌شود خانم گلمبک در تعیین محل دروازه‌ها دچار اشتباه شده، چراکه دروازه یهودیه و خور را در شمال و دروازه طبره و اسفیج را در جنوب قرار داده است. Fig. Golombek 1974: 23. برای این کار باید ۱۷۰ سال ه.ق. از سال ۶۲۲ میلادی کسر شود. به این منظور از سایت <https://www.fourmilab.ch/documents/calendar/> استفاده شد که تبدیل تاریخ را با بالاترین دقت انجام می‌دهد.

۱۵. با کمک این نرم‌افزار می‌توان پارامترهای اجرام سماوی (سیارات و ستارگان) از قبیل میل، بُعد، سمت و ارتفاع را در تاریخ مورد نظر به دست آورد. در این موضوع خاص موقعیت و تاریخ مورد نظر را در نرم‌افزار وارد و بر اساس آن می‌توان بیشتر و کمترین مقدار میل خورشید را در انقلاب تابستانی و زمستانی به دست آورد. به این ترتیب، روز دقیق انقلاب زمستانی برای ۱۷۰ سال قبل از اسلام برابر است با ۱۹/۱۲/۴۵۶ میلادی و برای انقلاب تابستانی برابر است با ۲۱/۶/۴۵۷ میلادی.

۱۶. برای نمونه فاصله خور تا یهودیه برابر با ۲۱۰۰ ذراع است که در صورتی که آن را بر ۹۶۰ ذراع (شعاع شهر) تقسیم کنیم، عدد ۲/۱۸۷۵ به دست می‌آید (رادیان). اکنون باید این عدد را با تناسب به درجه تبدیل کرد، یعنی  $۱۸۰ \times ۲/۱۸۷۵$  و نتیجه آن بخش بر عدد پی (۳/۱۴۱۵) که جواب آن ۱۲۵/۳۳۸۲ می‌شود.

۱۷. شاردن از قبر الراشد بالله در قریه شهرستان یاد کرده است. شاردن ۱۳۷۲/۴: ۱۵۸۸؛ در دوران معاصر، جناب نخستین کسی است که از این بنا به نام مقبره الراشد بالله نام برده و پس از او دیگر محققین نیز این موضوع را تأیید کرده‌اند: جناب ۱۳۸۶: ۸؛ صدرهاشمی ۱۳۲۳: ۱؛ هنرفر ۱۳۵۲: ۳۳-۳۵.

۱۸. لیزا گلمبک این قسمت را با کمک نقشه پاسکال کست و عکس‌های هوایی در نقشه خود در غرب خیابان دور شهر (خیابان سروش نقشه ۲) منطبق کرده است (Golombek, 1974: 26, Fig. 3) که در دیگر تطبیق‌های انجام‌گرفته نیز استفاده شده است.

۱۹. این نقشه در سال ۱۳۰۴ شمسی به‌دست شخصی به همین نام از شهر اصفهان تهیه شده است. ۲۰. بنا بر فرضیه بقا بسیاری از گذرها و خیابان‌های اعصار گذشته را می‌توان در شهرسازی امروزی و در کالبد شهر به‌دست آورد: عالمی ۱۳۷۳: ۳۱ و صحبت شفاهی نگارنده با خانم دکتر عالمی؛ در نقشه گلمبک دیواری شهر از این قسمت عبور داده نشده است و با توجه به آنچه گفته شد صحیح نیست: Golombek, 1974: Fig. 3

## منابع

ابن اثیر، عزالدین (۲۰۰۱). *الکامل فی التاریخ*، به تصحیح عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، الطبعة الثالثة.

ابن رسته، ابو علی احمد بن عمر (۱۸۹۲). *الاعلاق النفیسه*، به تصحیح دخویه، لیدن، بریل.

- ابن فقیه (۱۴۱۶). *البلدان*، بیروت، عالم‌الکتاب.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۵۰). *الفهرست*، به تصحیح رضا تجدد، دانشگاه تهران، تهران.
- ابوالفدا، عمادالدین اسمعیل (بی‌تا). *تقویم البلدان*، به تصحیح رینود و دسلان، بیروت، دارالصادر.
- ابی شیخ، امام ابو محمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حیان (۱۴۰۹ ق.، ۱۹۸۹ میلادی). *طبقات المحدثین باصفهان و الواردین علیها*، به تصحیح عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتاب العلمیة.
- ارباب اصفهانی، محمد مهدی (۱۳۴۰). *نصف جهان فی تعریف الاصفهان*، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران-اصفهان، سنائی-تأیید.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمد فارسی (۱۹۲۷). *مسالك الممالک*، به تصحیح دخویه، لیدن، بریل.
- اصفهانی، حمزة بن حسن (۱۳۴۰ هـ). *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء*، به تصحیح سید جواد ایرانی تبریزی، برلین، کاویانی.
- عمادالدین اصفهانی (۱۹۸۰). *تاریخ دوله آل سلجوق*، اختصار الفتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی، بیروت، دارالآفاق الجدیدة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). *خریفة القصر و جریفة العصر*، به تصحیح عدنان محمد آل طعمه، تهران، میراث مکتوب.
- امام شوشتری، محمد علی (۱۳۳۹). *تاریخ مقیاسات و نقود در حکومت اسلامی*، تهران، دانشسرای عالی.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۹). *سفرنامه*، ترجمه حسین کردبچه، تهران، کتاب برای همه.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۹). *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، به تصحیح حمید شیرانی، تهران-اصفهان، سنائی-تأیید، چاپ چهارم.
- ثعالبی، ابو منصور عبدالملک بن محمد (۱۹۸۳). *یتیمه‌الدهر فی محاسن اهل العصر*، به تصحیح مفید محمد قمیحه، بیروت.
- \_\_\_\_\_ (۱۹۶۳). *تاریخ عُمر السیر مشهور به غرر اخبار ملوک فرس و سیرهم*، به تصحیح زُتینبرگ، تهران، اسدی.
- جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۷۸). *تاریخ اصفهان*، به تصحیح جمشید مظاهری، اصفهان، مشعل.
- جناب، میر سید علی (۱۳۸۶). *آثار و ابنیه تاریخی اصفهان*، تدوین و تصحیح رضوان پورعصار، اصفهان، شهرداری اصفهان.
- جیهانی، ابوالقاسم احمد (۱۳۶۸). *اشکال العالم*، ترجمه عبدالسلام کاتب، به تصحیح فیروز منصوری، مشهد، به‌نشر.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۵). *جغرافیای حافظ ابرو*، به تصحیح صادق سجادی، تهران، میراث مکتوب و بنیان.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۸۰). *زبدة التواریخ*، به تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ ابو نعیم اصفهانی (بی‌تا). *ذکر اخبار اصفهان*، دارالکتاب اسلامی.
- یاقوت حموی (۱۹۹۴). *المشترک وضعاً و المفترق صقلاً*، فرانکفورت، فردناند استنفلد.

- دیانت ابوالحسن (۱۳۶۷). فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، تبریز، نیما.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). مطلع سعدین و مجمع بحرین، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۹۹۷). *التحییر فی المعجم الکبیر*، به تصحیح خلیل المنصور، بیروت، دارالکتب.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
- شجاعی اصفهانی، علی، بررسی باستان‌شناختی قلاع واستحکامات اصفهان از آغاز دوران اسلامی تا دوره صفوی رساله برای دریافت مدرک دکتری در رشته باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، چاپ نشده.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۱). *جغرافیای اصفهان*، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۲۳). مقبره الراشد بالله در شهرستان، *روزنامه سرنوشت*، ش ۵۵-۵۶، ص ۱.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷ق، ۱۹۶۷م). *تاریخ الرسل والملوک*، به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دارالمعارف.
- طهرانی اصفهانی، ابوبکر (۱۳۵۶). *کتاب دیار بکر*، به تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر، تهران، طهوری.
- عالمی، مهوش (۱۳۷۳). *باغ‌های شاهی عهد صفوی و ارتباط آن‌ها با شهر*، معماری و شهرسازی، ش ۴۲-۴۳، صص ۲۰-۴۳.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۷۱، ارتش، ۱۳۶۷.
- ناصر خسرو (۱۳۸۷). *سفرنامه*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، زوار.
- قره‌چانلو، حسین (۱۳۶۹). *بحثی کوتاه دربارهٔ بادها از دیدگاه دانشمندان اسلامی*، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۴۹ و ۵۰، صص ۱۱۹-۱۳۹.
- قمی، حسن بن محمد بن حسن (۱۳۸۵). *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن عبدالملک قمی، تصحیح محمد رضا انصاری قمی، قم، مرکز قم‌شناسی.
- کست، پاسکال (۱۳۹۰). *بناهای دوره اسلامی ایران از آغاز تا ۱۲۱۸*، ترجمه آتوسا مهرتاش، تهران، فرهنگستان هنر.
- لومبارد، موریس (۱۳۹۰). *جغرافیای تاریخی جهان اسلام در چهار قرن نخستین*، ترجمه عبدالله ناصری طاهری و سمیه سادات طباطبایی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد بن الحسین (۱۳۸۵). *محاسن اصفهان*، ترجمه حسین بن محمد بن علی رضا آوی، تصحیح عباس اقبال، اصفهان، شهرداری اصفهان.
- مجمّل التواریخ و القصص (۱۳۸۹). *به تصحیح ملک الشعراى بهار*، تهران، اساطیر.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). *تاریخ گزیده*، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۸۹۳). *التنبیه و الاشراف*، تصحیح دخویه، لیدن، بریل.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۴۲۴ق). *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- مصفی، ابوالفضل (۱۳۸۱). *فرهنگ اصطلاحات نجومی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۹۰۶). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، به تصحیح دخویه، لیدن، بریل.

مهریار، محمد و دیگران (۱۳۷۸). *اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی.

میرزا حسین خان تحویلدار اصفهان (۱۳۴۲). *تاریخ اصفهان، جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر*، به تصحیح منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران.

میرفتاح، علی‌اصغر (۱۳۵۵). *آثار باستانی جی باستان (پی‌گردی مسجد جی)*، بررسی‌های تاریخی، ش ۶۸، صص ۲۴۰-۱۹۳.

نورصادقی، حسین (۱۳۱۶). *اصفهان، تهران، چاپخانه سعادت*.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۴). *کتاب تاریخ اصفهان، مجلد ابنیه و عمارات و آثار باستانی*، به تصحیح ماهدخت بانو همایی، تهران، هما.

هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۲). *آثار تاریخی جی، هنر و مردم*، ش ۱۳۱، صص ۲۴-۳۶.

\_\_\_\_\_ (۱۳۴۴). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان، ثقفی*.

هولستر، ارنست (۱۳۵۵). *ایران در یکصد و سیزده سال پیش*، ترجمه محمد عاصمی، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.

هینس، والتر (۱۳۸۸). *اوزان و مقیاس‌ها در فرهنگ اسلامی*، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یعقوبی، ابن واضح (۱۸۹۲). *البلدان*، به تصحیح دخویه، لیدن، بریل.

Babaie, S., 2008. *Isfahan and its palaces: statecraft, Shi'ism and the architecture of conviviality in early modern Iran*, Edinburgh, Edinburgh University Press.

Beaudouin, Eugène Elie, *Ispahan sous les grands chahs, XVIIe siècle, Urbanisme* 10 (1933), pp. 1-47.

Bulliet, R. W., 1994. *Islam: the view from the edge*, New York, Columbia University Press.

Christensen, P., 1993. *The decline of Iranshahr: irrigation and environments in the history of the Middle East, 500 B.C. to A.D. 1500*, Copenhagen, Museum Tusulanum Press: University of Copenhagen.

Durand-Guédy, D., 2010. *Iranian elites and Turkish rulers: a history of Isfahan in the Saljuq period*, London; New York, Routledge.

Golombek, Lisa, *Urban Patterns in Pre-Safavid Isfahan, Iranian Studies*, Vol. 7, No. 1/2, 1974, pp. 18-44.

Kamaly, H., 2004. *Four moments in the early Islamic history of Isfahan*, New York, Columbia University, Diss. (Unpublished).

Minovi, M. *Note on Mafarrukhi's the Beauties of Isfahan, Bulletin of the American Institute of Persian Art*, 5, 1937, pp. 27-28.